



۲۰۱۳/۰۷/۰۴

عبدالحكيم سامع

«گربه» پاکستان از خريطه گريخت!

رهبران کنونی بر سر قدرت در افغانستان بشکلی از اشکال، به احتمال قوی، شب و روز بیم از آن خواهند داشت، که ممکن در دستگاه استخباراتی پاکستان، «اسناد کافی» «تهدید»، در مدت اقامت آنها در انکسور، بجای مانده باشد. در غیر آن ممکن پاکستان به این اندازه، جرأت مداخله در امور داخلی افغانستان را نمی داشت. از جانب دیگر از ناحیه رهبری سیاسی هم، زمامداران فعلی افغانستان علایم مبتلا به فقدان «آگاهی» و درک لازم، با فقدان صداقت در کار بسر می برند. اینکه در ارائه معلومات در برابر «مردم خود»، صادق نیستند، نیازی به تبصره و یا تردید محسوس نمی باشد.

دستگاه دولتی بنابر علایم و وقوع حوادث، نه تنها از وحدت عمل و هم آهنگی برخوردار نمی باشد، بلکه نفوذ وسیع و عمیق «عمال» پاکستانی، این دولت را فاقد فعالیت بحیث ارگان های مؤثر دولت «ملی» افغانستان ساخته است. پاکستان با انجام وظایف «تخریبی» توسط «عمال» و «شبهه های» آنکشور، این دولت را در معرض «تهدید» قرار داده است. علاوه از اینکه پاکستان از اختلافات حلقات در سیستم حاکم افغانستان، استفاده می نماید، همچنان «پیوند های ظاهری عقیدت اسلامی»، بحیث بهترین «امکان» در مناسبات با افغانستان، در خدمت پاکستان قرار دارد. جانب «رهبران» افغانی، به ضعف های مشهود هم که فارغ از «کینه بیگانه» در برابر جوامع «غیر اسلامی» نیز نخواهد بود، دست و پا می زنند.

تداوم این وضع آینده تاریک و غم انگیز، مردم آنرا هم «تهدید» خواهد کرد. وضعیت کنونی کشور، در حالت خیلی تباہ کن قرار دارد. «برادران اسلامی» پاکستانی آنها، نقش «رهبران تنظیمی» را، در «جنگ آزادی وطن» ما بدوش گرفته بودند. «جنرالان» پاکستانی چون حمیدگل و یا رهبران «مذهبی - سیاسی» چون «قاضی حسین احمد» و فضل الرحمن و غیره، فرماندهی «مجاهدین» و تقسیم «کمک های مالی و اسلحه خارجی» را بدوش گرفته بودند. برای این رهبران نام نهاد، نقش «مدیران سازمان های غیر حکومتی»، کمک های خارجی یا «ان. جی. او»، بخاطر ثروت اندوزی جالب تر بوده است، حال باید شرم و خجالت را در عدم قابلیت خود ها، در اجرای وظایف دولتی، بکشند.

وفادار بودن به منافع عامه، شہامت و قربانی می طلبد. تداوم چنین «حالت» نابودی و از هم پاشیدگی کشور را با خود با احتمال قوی پیش بینی می نماید. وقتی رهبران «سیاسی» و «دولتی» کشور ما، بعنوان مثال فرق دقیق میان «سیستم های» «فیدرالی» و «ملوک الطوائفی» را تشخیص نتوانند و یا «بجای افشای» نقشه های دشمنان مشخص «تمامیت ارضی کشور»، تلاش ورزند تا توجه عامه را بسوی تمام کشور های «خارجی» و یا موضوعت موهوم و عام جلب نمایند، وای بحال اتباع چنین کشور ویران با تاریخ «کهن» آن، که در دست یک مثنی از «وابستگان حلقات نظامی - سیاسی» خارجی، منفعت طلب و سود جوی «صاحب قدرت»، گروگان مانده اند.

اظهارات پراکنده اخیر مقامات پاکستانی، در رابطه با «سپردن» مناطق معین به مخالفین و سایر مطالب، ریشه های عمیق «میتودیک» را در گذشته های «دور» دوران، استعمار برتانیه می یابد که در دوران «خانه جنگی های»، شهزادگان دوران «فروپاشی» امپراتوری «درانی» بوقوع پیوسته است. در آنزمان، استعمار انگلیس هم، با استفاده از «اجیران جنگی» محلی، «ساحاتی» را از «قلمرو» تحت تسلط «امپراتوری درانی» بشکلی از اشکال جدا می ساختند.

متعاقباً در سالهای، انجام «کودتای ناکام شهنواز تتی» علیه «حکومت داکتر نجیب الله» که به حمایت «گلبین حکمتیار» انجامید، همین گلبین حکمتیار بحیث «طراح» «کنفیدراسیون» دولتی بین پاکستان و افغانستان» ورد زبان عام و خاص گردیده بود.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

از جانب دیگر، شایعات پس از خروج قوای شوروی، می‌رسانید، که قدرت‌های بزرگ، در آخرین ماه‌ها و یا ممکن «سالها» قبل طرحی را داشته‌اند، تا دولت «چپی» قسمت «خاک» را در جنوب افغانستان در «اختیار مجاهدین» قرار دهد، تا «دولت مؤقت» در پیشاور به داخل کشور، حضور یابد، بعد در مشاب‌هت با «یمن شمال» و «یمن جنوب» مذاکرات «صلح» بپردازند. چنانچه «اشغال خوست» را «آگاهان» اصلاً «پلان شده» تبلیغ می‌نمودند. این «پیروزی» را «قاضی حسین احمد» رئیس «جماعت اسلامی پاکستان» و «گلبدین حکمتیار» امیر «حزب اسلامی افغانستان» در «خوست» جشن گرفتند. وقتی «کودتای مسعود - دوستم» و غیره موفق گردید، انکشافات بجای «حل» به «جنگ داخلی» با ابعاد دیگر منجر گردید. اینکه همه چنین طرح‌ها، بر ضد «تمامیت ارضی» و «حاکمیت ملی و دولتی» افغانستان قرار دارد، احتیاجی به تبصره ندارد.

دوازده سال قبل از امروز، بحمایت «بین‌المللی» امکانات وسیع در «اختیار» این «حلقه حاکم کنونی» برای ایجاد «سیستم اداری - سیاسی» مؤثر، قرارداد شده. در طول تاریخ کشور ما افغانستان، هیچ ادره افغانستان را نمی‌شناسیم که در قدم اول از چنین «حمایت وسیع بین‌المللی» بر خوردار بوده باشد، اما با چنین نتایج شرم آور فعالیت سیاسی - دیپلماتیک ثبت تاریخ شده باشد. فریب ده سال قبل «سیستم ریاستی» در «لویه جرگه» از جانب «همان» محافل سهیم در «کنفرانس بن»، تهداب گذاری و به تصویب رسید. پاکستان که در کنفرانس «بن» تلاش می‌ورزید، تا برای حلقه‌ها و افراد هوادار خود، مواضع قوی در «حاکمیت بعدی» بدست آورد، تا حدی از کنفرانس نا راض بیرون آمد، در طول زمان بازی «موش و پیشک» را با مقامات افغانی و با سرنوشت مردم کشور ما افغانستان بازی نموده است.

«رهبران طالبان»، «حقانی» و «گلبدین» همه در پیشبرد نقشه‌های طرح ریزی شده، در تحت کنترل و اختیار پاکستان و دوستان بین‌المللی دیگر آنها هم از داخل و هم از خارج، با پیوند‌های وسیع علنی، نیمه علنی و مخفی، به چنین فعالیت‌ها، ادامه داده‌اند. «مانور» های اخیر «گلبدین حکمتیار»، که گویا آن‌ده از اعضای آن «حزب» که در مدت ۱۲ سال، مواضع حساس و حاکم «دولتی» را در افغانستان در اختیار داشته‌اند، «اعضای حزب» او نیستند، ایجاب توجه و دقت می‌نماید، تا دیده شود که ازین «بیداری» از «خواب بیش از ۱۲ سال» اخیر، چه نقشه رویکار خواهد داشت.

در غافلگیر ساختن عوام، این «افراطی» بنیادگرای رسوا، مهارت و تمرین خاصی را پشت سر گذاشته است. اعضای «حزب» اسلامی در جمله نویسندگان قانون اساسی فعلی شامل بوده‌اند، اما گلبدین «حکمتیار»، «حقانی» و «طالبان» و سائر مخالفین آنرا رد می‌کنند. «ربانی» و دیگر «برادران اخوانی» او با وجود آنکه افراد آنها در طی مدت زمان بعد از «لویه جرگه» تصویب قانون اساسی، در سیستم دولتی کنونی، صاحب «مقام» های با قدرت و حساس بوده‌اند، باز هم بصراحت اهداف خود را در جهت تغییر سیستم «ریاستی»، به سیستم «پارلمانی» و «فیدرالی» بیان می‌داشته‌اند.

تمام عیب در (کجاست؟ وقتی در ماهیت کار «دستگاه اداری سیاسی»، «فساد»، «زور گوئی»، «خویش خوری»، «زمین دزدی»، «آدم ربائی»، «فقدان قانون» و «قانون شکنی» و ده‌ها نوع دیگر، از انواع «جنايات سازمانیافته»، حکمفرما باشد، چنین یک جامعه را هیچ «شکل» حکومتداری، نجات داده نمی‌تواند.)

دولت «پاکستان» که درین ۳۵ سال، ازین «رهبران تنظیمی»، در حقیقت بحیث «مهره‌های» تجربوی استفاده نموده است، بدون آمادگی مقدماتی، به هر اندازه ایکه با قدرت هم باشد، هیچگاه «جرات» ایرا در خود نمی‌دید، تا «اظهاری» نماید، که در آن «تمامیت ارضی» کشور بمخاطره روبرو شده بتواند.

در یکی از گزارشات اخبار آلمانی، «زوید دویچه سایتونگ» مؤرخ ۴ جنوری ۱۹۹۴م، زمانیکه «گلبدین حکمتیار» تحت حمایت «پاکستان» در «جنگ داخلی افغانستان»، در اتحاد با «جنرال ازبک عبدالرشید دوستم» کمونیست» و «حزب وحدت» عبدالعلی مزاری «طرفدار ایران» و گروه‌های دیگر، «ائتلاف» ضد حکومت «ربانی» - مسعود» و متحدان آنها را تشکیل داد و در «رأس» این «ائتلاف» قرار داشت، مطلبی را تحت عنوان «درشت»، منتشر ساخته که در آن: «هیچ امیدی را برای افغانستان نمی‌بیند.»

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

گزارش خود را با این کلمات آغاز می نماید: « از رقبای بیگانه، افغان ها هیچگاه نیازی به واهمه داشتن نداشته اند. تا بحال هیچ کسی موفق نگردیده است، که این کشور آسیای میانه را مطیع خود سازد. در قرن 19 قدرت جهانی برتانیه کبیر با مقاومت افغان ها شکست خورد، در قرن بیست قدرت بزرگ شوروی. حال اگر باز هم افغانستان را زوال و انقراض تهدید می کند، پس این امر تنها محصول هنر و کار خود افغانهاست، زیرا بهمان پیمانہ سرسختانه همچنان علیه همدیگر می جنگند.»

پایان

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ